

۷ پند برای مردان صاحب فرزند در ازدواج مجدد

این نوشته را برای شما می‌نویسم: **آقای محترمی که صاحب فرزند هستید** و خیال دارید مجدداً ازدواج کنید.

شما مدتی پیش مادر فرزندان را از دست داده‌اید. ممکن است همسرتان فوت کرده و یا با طلاق دردناک از شما جدا شده باشد. مرگ همسر یا طلاق هر دو جان‌گداز هستند و قلب شما بابت آن زخمی و خون‌چکان است. فرزند یا فرزندان هم صدمه دیده‌اند. حالا تصمیم دارید مجدداً ازدواج کنید. بدانید و آگاه باشید **احتمال طلاق در ازدواج مجدد همراه با فرزندی از ازدواج قبلی ۷۰٪ است**، اگر مواردی که در زیر می‌نویسم رعایت نکنید.

شما به یاری دلنواز احتیاج دارید که قلبتان را گرم کند. فرزند یا فرزندان به کانون گرم خانواده احتیاج دارند تا الگوی مناسبی برای تشکیل خانواده در آینده داشته باشند.

هفت مورد زیر را مراعات کنید، وگرنه برای بار دوم همسرتان را از دست خواهید داد و به شما قول می‌دهم تأثیر این دومی از اولی هم بدتر است، زیرا روح و روان خودتان و فرزندانتان از هم دریده خواهد شد.

۱- وقتی ازدواج کنید که از نظر روحی آماده هستید

اگر پس از مرگ همسر یا طلاق، دچار افسردگی هستید، زمان مناسبی برای ازدواج مجدد نیست. همسر جدید شما، مشاور و روانشناس شما نیست (حتی اگر به‌راستی مشاور و روانشناس باشد، قرار نیست او درمان شما را به عهده بگیرد) او نمی‌تواند به تنهایی خانواده‌ای سالم بسازد، اگر شما و فرزند یا فرزندان در اندوه و غم غرق شده باشید.

پس از مرگ همسر یا طلاق، به مشاور مراجعه کنید و روحیه خود را از نو بسازید. فرزند یا فرزندان را هم پیش مشاور ببرید تا در ماتم نمانند و عقده‌های متعدد برایشان ایجاد نشود. وقتی مطمئن شدید حالتان خوب است، آنگاه اقدام به آشنایی و ازدواج مجدد کنید.

چه بسیار خانم‌هایی که با من مشاوره داشته و گفته‌اند: /او مرد خوبی است، ولی به خاطر مرگ همسر (یا طلاق) افسرده و کم‌حوصله است. از من خواسته در کنار او باشم تا روحیه او خوب باشد. من تابه‌حال تحمل کرده‌ام، ولی به‌راستی بیش از این نمی‌توانم این مرد افسرده و دل‌مرده را تحمل کنم. آیا من زن خودخواهی هستم؟

خیر! شما خودخواه نیستید! بلکه عاقل هستید. آدم ازدواج می‌کند تا روزگارش بهتر شود، نه این‌که عنق بازی یک نفر دیگر را تحمل کند. آقا جان! همسر اولتون فوت کرده یا از شما طلاق گرفته؟ تسلیت میگم! حق دارید که حالتان خوب نباشد، ولی حق ندارید از خانمی انتظار داشته باشد پرستار شما و فرزندانان شود.

۲- وقتی ازدواج کنید که از نظر مالی آماده هستید

اگر به خاطر بیماری طولانی‌مدت همسر اولتان زیر بار قرض رفته‌اید یا به خاطر طلاق و پرداخت مهریه، از نظر مالی

تحت فشار هستید، ازدواج نکنید که بار مالی خود و فرزندان را به گردن همسر جدید بیفتد.

من مشاوره پشت مشاوره دارم که این آقا با من ازدواج کرده تا بتواند وام ازدواج مرا بگیرد! این آقا مرا تحت فشار قرار می‌دهد که خانه یا زمینم را بفروشم و پولش را به او بدهم تا بتواند بدهکاری‌هایش را تسویه کند. این آقا با من ازدواج کرده تا همه درآمد مرا بگیرد و خرج بچه‌هایش کند، چون درآمد خودش صرف پرداخت مهریه همسر قبلی‌اش می‌شود.

این رفتار موجب نارضایتی عمیق همسر جدیدتان می‌شود. شما مسئول پرداخت بدهی‌هایتان و همچنین مسئول پرداخت هزینه‌های فرزندانان هستید. همسر جدیدتان هیچ وظیفه‌ای در قبال بدهی‌ها با هزینه‌های فرزندانان ندارد.

۳- فرزندان را به همسر جدیدتان تحویل نکنید

بعضی خانم‌ها با مردی صاحب فرزند ازدواج می‌کنند که فرزندش پیش مادر بیولوژیک زندگی می‌کند.

بسیار دیده شده که پس از ازدواج، فرزند از خانه مادر به خانه پدر نقل مکان می کند و تازه عروس یک مرتبه با مسئولیت نگهداری فرزند روبرو می شود، چیزی که اصلاً برایش آماده نبوده است. این وضعیت چالش بزرگی بین شما و همسر جدیدتان به وجود می آورد.

- گاهی اوقات آقایان پس از ازدواج مجدد و بدون هماهنگی با همسر جدیدشان، بچه را از مادرش پس می گیرند.
- گاهی اوقات مادر بیولوژیک فرزند را به خانه پدر پس می فرستد، با این ادعا که من تابه حال از بچه مان مراقبت کردم و از زندگی محروم شده ام. حالا نوبت تو و همسر جدیدت است.
- گاهی اوقات بچه ها که نگران اند ازدواج مجدد، بین آن ها و پدرشان فاصله بیندازد، بهانه می گیرند و اصرار می کنند به خانه پدر برگردند.

هر دلیلی که داشته باشید، شما نباید بدون هماهنگی و برنامه ریزی با همسر جدیدتان، فرزندتان را به خانه بیاورید. نفرمایید که خونه خودمه و اختیارشو دارم! نفرمایید که اینجا خونه

بچه منه. هر وقت دلش خواست می‌تواند بیاد و پیش من زندگی کنه.

این‌طور نباشد که یک روز در خانه باز شود و بچه شما با باروبنه‌اش به داخل بیاید و بماند و قرار باشد هرگز نرود. این حرکت نسنجیده شما، همسر جدیدتان و فرزندان را وارد یک وضعیت فرسایشی و دردناک خواهد کرد.

اگر تصمیم دارید پس از ازدواج بچه را به خانه بیاورید، باید قبل از عروسی به همسر جدیدتان بگویید. مبادا او را مقابل عمل انجام‌شده قرار بدهید.

اگر مادر بچه می‌خواهد بچه را پس بدهد، باید همه گزینه‌های دیگر برای اقامت فرزندان را در نظر بگیرید، مثل خانه مادرتان یا خواهرتان و ... و اگر واقعاً هیچ چاره‌ای نبود، از همسر جدیدتان کمک بخواهید. اگر او صادقانه به شما گفت نمی‌تواند از فرزندان نگهداری کند، او را تحت فشار قرار ندهید. شما مسئول نگهداری فرزندان هستید و نه همسر جدیدتان.

متأسفانه بعضی خانم‌ها وقتی می‌بینند همسر قبلی‌شان ازدواج کرده، به قدری ناراحت می‌شوند که فرزندشان را به پدرش پس می‌دهند با این بهانه که: چرا من مسئولیت بچه‌داری رو داشته باشم و تو دنبال کیف و خوشی‌ات باشی؟! منم می‌خوام دوست‌پسر بگیرم یا صیغه شم و نمی‌خوام یه بچه وسط دست‌وپام باشه. این قبیل خانم‌ها، شایسته نام مادر نیستند چون مسئولیت‌پذیری یک مادر را ندارند و به خاطر لجبازی، حاضرند به فرزندشان صدمه بزنند. به نظر من، به نفع فرزند است که پیش چنین به‌اصطلاح مادرانی زندگی نکنند.

ممکن است بچه بهانه بگیرد که می‌خواهم با پدر و همسر جدیدش زندگی کنم (یا مادرش یادش داده باشد که چنین بگوید!) چه کسی گفته شما باید هر سازی فرزندتان زد، به همان ساز برقصید؟ چه کسی گفته که بچه‌ها صلاحشان را بهتر از بزرگ‌ترها می‌دانند؟ چرا باید به بهانه‌گیری‌های فرزندتان اهمیت بدهید؟ اگر بدون هماهنگی به همسر جدیدتان، بچه را به خانه بیاورید، مطمئن باشید شرایط بدی را برای فرزندتان به وجود آورده‌اید. چه کسی گفته که این وضعیت به صلاح فرزندتان است؟

۴- برای خود و همسران حریم خصوصی در نظر بگیرید

فرزند ده‌ساله شما می‌خواهد شب‌ها در تختخواب شما و همسران و بین شما دو نفر بخوابد؟! و شما نه تنها اجازه می‌دهید، بلکه استقبال می‌کنید: / این بچه به عشق نیاز داره و باید با عشق سیراب بشه! هرگز به همسران نگویید: / از من و شما که گذشته! الان باید به فکر بچه من باشیم!

این حرف‌ها چیه؟ چرا فکر می‌کنید برای عشق دادن به فرزندتان باید شب او را در رختخواب خودتان و همسران بخوابانید! بچه‌ها باید از شش‌ماهگی شب‌ها در اتاقی غیر از والدینشان بخوابند. اگر فرزند شما شب‌ها در رختخواب شما و مادرش بخوابد، رابطه زناشویی شما و رشد عاطفی خودش صدمه می‌بیند. وقتی فرزند نباید شب‌ها پیش والدین تنی خود بخوابد، چرا انتظار دارید همسر جدیدتان از حضور بچه یک زن دیگر در رختخوابش استقبال کند؟ اگر فرزندتان دچار اضطراب است و از تنهایی خوابیدن می‌ترسد، به جای خواباندن او در رختخوابتان، او را پیش مشاور ببرید.

بعضی آقایان، شب‌ها کلاً پیش فرزندشان می‌خوابند و همسرشان را در اتاقی دیگر تنها می‌گذارند... این رفتار نه تنها نشانه عشق نیست، بلکه ممکن است نشانه مشکلات پیچیده باشد و لازم است حتماً با مشاور در تماس باشید.

۵- اجازه بدهید همسران مادر شدن را تجربه کنند

بسیاری از مردان صاحب فرزند، در ازدواج دوم مایل نیستند بچه‌دار شوند. اگر شما تصمیم دارید با خانمی ازدواج کنید، به‌ویژه اگر او بدون فرزند است، قبل از ازدواج با صداقت نظرتان را درباره بچه‌دار شدن بگویید. اگر همسران دوست دارد صاحب فرزند شود، او را مادر شدن محروم نکنید. محروم کردن یک زن از مادر شدن، ظلم است به‌ویژه اگر قبل از ازدواج، او را از تصمیم خود باخبر نکرده‌اید و یا بدتر از آن، به او وعده داده‌اید می‌تواند باردار شود، ولی پس از ازدواج زیر قولتان زده‌اید.

وقتی خانمی مادر باشد، بهتر شرایط شما را به‌عنوان یک پدر درک می‌کند، ولی اگر به خاطر فرزند شما از بچه‌دار شدن

محروم شود، مطمئن باشید نسبت به شما و فرزندتان
خشمگین خواهد ماند.

۶- جشن عروسی بگیرید

بیشتر مردان در ازدواج مجدد مایل نیستند جشن عروسی بگیرند. اگر همسر جدید شما سابقه ازدواج ندارد، به احتمال زیاد دوست دارد لباس سفید عروس را بپوشد و پیوندش را جشن بگیرد. چرا او را از این لذت محروم می‌کنید؟ بی‌پول هستید؟ حوصله ندارید؟ یا اهمیت نمی‌دهید؟ اگر آن قدر بی‌پول هستید که نمی‌توانید جشنی کوچک بگیرید، ازدواج نکنید و زنی را به زندگی محقر و فقیرانه خود نیاورید. اگر حوصله ندارید و افسرده هستید، پیش روان‌پزشک بروید و تا وقتی روحیه خوبی پیدا نکردید، ازدواج مجدد نکنید. اگر به خواسته‌ها و خوشحالی همسر جدیدتان اهمیت نمی‌دهید... خب... چرا دارید مجدداً ازدواج می‌کنید؟! چرا خود را در معرض طلاق قرار می‌دهید؟ چرا تصمیم دارید زندگی خانمی را خراب کنید؟

نظر همسر آینده‌تان را درباره جشن عروسی بپرسید و تا جایی که برایتان مقدور است او را خوشحال کنید. زحمت و هزینه جشن عروسی، نه زحمت است و نه هزینه، بلکه سرمایه‌گذاری عالی برای داشتن یک زندگی مشترک عالی و ساختن خانواده‌ای جدید است.

۷- توجه و محبت را تقسیم کنید

چه بسیار خانم‌ها که توجه کامل همسرشان به فرزندش شکایت می‌کنند:

شوهرم از صبح تا شب که سر کاره و خونه نیست. من و بچه تو خونه تنها هستیم. وقتی از سر کار میاد، می‌نشینه و دل بچه‌اش. با هم تلویزیون نگاه می‌کنن، حرف می‌زنن، بازی می‌کنن، انگار نه انگار که من اونجا هستم. من سرمو تو آشپزخانه گرم می‌کنم.

شما اگر این رفتار را با مادر بیولوژیک بچه انجام دهید، مادر بشدت ناراحت می‌شود، چه رسد به خانمی که مادر تنی فرزندتان نیست. مگر این خانم، خدمتکار شما و بچه است؟ او هم به محبت و توجه نیاز دارد. شما به عنوان مردی که

خانواده جدیدی ساخته‌اید، باید به تک تک افراد خانواده محبت و توجه نشان بدهید.

اصلاً یک سؤال دارم: آیا در یک خانواده تنی، هر شب دختر یازده‌ساله روی پای پدرش می‌نشیند، تلویزیون تماشا می‌کند و پدر ساعت‌ها موهای دخترش را نوازش می‌کند؟! در حالی که مادر خانواده در آشپزخانه سرگرم کار است؟ این رفتارها نشانه عشق به فرزند نیست، بلکه ممکن است نشانه ... استغفرالله... ممکن است مسائل خطرناکی باشد. بگذریم... تأکید می‌کنم که عشق و محبت را به همه اعضا خانواده و به یک اندازه نشان بدهید.

انشالله با مراعات این مسائل و البته در کنار داشتن حسن خلق و گشاده‌دستی، ازدواج دوم شما به ازدواجی عالی تبدیل می‌شود و قلبتان را لبریز از عشق و شادی می‌کند.

نویسنده: دکتر آناهیتا چشمه علایی

برای مطالعه ۵۰ مقاله رایگان درباره خانواده‌های ناتنی می‌توانید روی این لینک کلیک کنید: <http://www.gisgolabetoon.ir/fa/step-mother>